بسمه تعالی

جلسه چهارم: مبحث "امت و امامت" در اندیشه علی شریعتی

۱. مقدمه: جایگاه امت و امامت در منظومه فکری شریعتی

مبحث "امت و امامت" یکی از مهم‌ترین مباحث اندیشه سیاسی و اجتماعی علی شریعتی است. شریعتی در این بحث می‌کوشد نسبت میان جامعه، رهبری سیاسی، مسئولیت تاریخی، دین و تحول اجتماعی را توضیح دهد. پرسش محوری او این است که جامعه‌ای که خواهان رهایی از عقب‌ماندگی، استبداد، استثمار و انحطاط است، چگونه باید سازمان یابد و چه نوع رهبری‌ای می‌تواند آن را به سوی جامعه مطلوب هدایت کند؟

شریعتی مسئله امامت را صرفاً در چارچوب مباحث کلامی سنتی، یعنی تعیین امام، شرایط عصمت یا اختلافات تاریخی درباره جانشینی پیامبر اسلام، محدود نمی‌کند. او می‌کوشد از مفهوم امامت، نظریه‌ای درباره رهبری جامعه و حرکت تاریخی انسان استخراج کند. به همین دلیل، در اندیشه او امامت با مفاهیمی همچون آگاهی، مسئولیت، عدالت، رهایی، خودسازی و تحول اجتماعی پیوند می‌خورد.

در مقابل، مفهوم امت نیز نزد او صرفاً به معنای جمعیت مسلمانان، پیروان یک دین یا مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند نیست. امت نوعی جامعه هدفمند است که اعضای آن در مسیر مشترکی حرکت می‌کنند و در نسبت با یک آرمان تاریخی تعریف می‌شوند.

از این منظر، "امت و امامت" را می‌توان تلاشی برای پاسخ‌گویی به سه پرسش اساسی دانست:

۱. امت چیست؟ چه چیزی یک جامعه را از مجموعه‌ای از افراد پراکنده به یک اجتماع تاریخی و هدفمند تبدیل می‌کند؟

۲. امامت چیست؟ چه نوع رهبری‌ای می‌تواند حرکت جامعه را جهت دهد و آن را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برساند؟

۳. رابطه امت و امام چگونه است؟ آیا جامعه صرفاً پیرو رهبر است یا خود نیز در فرایند حرکت تاریخی، مسئولیت و نقش فعالی دارد؟

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

برای فهم این نظریه باید آن را در بستر کلی اندیشه شریعتی بررسی کرد؛ اندیشه‌ای که در آن بازخوانی اسلام، نقد ساختارهای سلطه، احیای مسئولیت اجتماعی دین و تلاش برای ایجاد تحول در جامعه ایران جایگاه مهمی دارند.

نکته روش‌شناختی این است که شریعتی در آثار خود همیشه از اصطلاحات با معنای ثابت و کاملاً یکسان استفاده نمی‌کند. بنابراین، در مطالعه این مبحث باید میان تعریف‌های صریح او، تفسیرهای سیاسی و اجتماعی او از مفاهیم اسلامی و برداشت‌های انتقادی‌ای که پژوهشگران بعدی از نظریه‌اش ارائه کرده‌اند، تمایز گذاشت.

۲. مفهوم امت: جامعه‌ای در مسیر شدن

۲,۱. معنای امت در اندیشه شریعتی

در کاربرد رایج، امت به جامعه‌ای از مؤمنان گفته می‌شود که بر اساس اعتقادات دینی مشترک با یکدیگر پیوند دارند. شریعتی این معنا را نفی نمی‌کند، اما معتقد است برای فهم ظرفیت اجتماعی و تاریخی مفهوم امت کافی نیست. در نگاه او، امت را باید با توجه به جهت حرکت آن شناخت. یک جامعه صرفاً به دلیل داشتن دین، زبان، نژاد، تاریخ یا سرزمین مشترک، لزوماً به معنای مطلوب شریعتی "امت" نیست. آنچه اهمیت دارد، حرکت آگاهانه جمعی در جهت یک هدف متعالی است.

به بیان دیگر، امت صرفاً یک وضعیت موجود نیست، بلکه یک فرایند تاریخی است. افراد از طریق مشارکت در یک حرکت مشترک، پذیرش مسئولیت و حرکت به سوی هدفی معین، به اعضای یک امت تبدیل می‌شوند. این برداشت، مفهوم امت را از یک تعریف صرفاً جمعیت‌شناختی یا اعتقادی فراتر می‌برد و به آن بُعدی اجتماعی، سیاسی و تاریخی می‌بخشد.

برای مثال، جامعه‌ای ممکن است اکثریت مسلمان داشته باشد، اما گرفتار استبداد، تبعیض، فقر، بی‌عدالتی و انفعال اجتماعی باشد. صرف مسلمان بودن افراد، از منظر این تفسیر از اندیشه شریعتی، برای تحقق امت مطلوب کافی نیست. جامعه باید در جهت رفع موانع رشد انسان و تحقق عدالت حرکت کند.

۲,۲. تفاوت امت با ملت، قوم و جامعه

یکی از نکات مهم در اندیشه شریعتی، تمایز میان امت و مفاهیمی است که هویت جمعی را بر اساس عوامل موروثی یا جغرافیایی تعریف می‌کنند.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

- **قوم:** پیوندی که ممکن است بر اساس تبار، نسب، زبان یا فرهنگ مشترک شکل گرفته باشد.
- **ملت:** مفهومی که در کاربردهای جدید سیاسی معمولاً با هویت ملی، سرزمین، حاکمیت و تعلق شهروندی ارتباط دارد.
- **جامعه:** مجموعه‌ای از روابط، نهادها و مناسبات اجتماعی که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد.
- **امت:** اجتماع هدفمندی که بر اساس آرمان مشترک و حرکت به سوی مقصدی تاریخی تعریف می‌شود.

این تمایزها را نباید به معنای آن دانست که شریعتی هر نوع تعلق ملی، فرهنگی یا اجتماعی را به‌طور مطلق نفی می‌کند. مسئله اصلی او این است که هیچ‌یک از این تعلقات به‌تنهایی نمی‌تواند معیار نهایی ارزش و جهت حرکت جامعه باشد.

در اینجا باید به تفاوت مهمی توجه کرد: ملت ممکن است بر اساس تجربه تاریخی مشترک شکل گرفته باشد، اما امت در برداشت آرمانی شریعتی با پرسش از مقصد و جهت حرکت شناخته می‌شود. ازاین‌رو، یک جامعه ممکن است از نظر ملی و تاریخی یکپارچه باشد، اما از نظر عدالت، آگاهی و مسئولیت اجتماعی هنوز به وضعیت مطلوب نرسیده باشد.

۲,۳. امت به‌مثابه جامعه‌ای آرمان‌گرا

امت در این نظریه، جامعه‌ای است که میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب خود فاصله‌ای آگاهانه احساس می‌کند. این فاصله، زمینه حرکت تاریخی را فراهم می‌سازد. جامعه‌ای که وضع موجود را طبیعی، تغییرناپذیر یا مقدر می‌داند، ظرفیت کمتری برای تحول دارد. در مقابل، جامعه‌ای که می‌تواند وضعیت خود را نقد کند و برای تغییر آن هدفی مشترک داشته باشد، از امکان حرکت تاریخی برخوردار می‌شود.

از این منظر، امت دارای سه ویژگی اساسی است:

۱) هدفمندی: جامعه باید مقصدی داشته باشد که حرکت جمعی خود را با آن بسنجد؛

۲) آگاهی: اعضای جامعه باید بتوانند شرایط خود و موانع تحقق آرمان‌هایشان را بشناسند؛

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

۳) مسئولیت‌پذیری: تحقق هدف جمعی نباید صرفاً به اراده یک فرد یا گروه محدود شود؛ اعضای جامعه نیز باید در فرایند تغییر مشارکت داشته باشند.

در نتیجه، امت صرفاً جمعی از افراد هم‌عقیده نیست، بلکه جامعه‌ای است که عقیده را به جهت‌گیری عملی و مسئولیت تاریخی تبدیل می‌کند.

۳. مفهوم امامت: رهبری جامعه در مسیر تحول تاریخی

۳,۱. امامت فراتر از یک مقام مذهبی

شریعتی مفهوم امامت را از سطح یک بحث صرفاً کلامی فراتر می‌برد و آن را به مسئله‌ای درباره رهبری، جهت‌دهی و مسئولیت تاریخی جامعه تبدیل می‌کند. در مباحث سنتی کلام اسلامی، امامت معمولاً با موضوعاتی مانند جانشینی پیامبر، مرجعیت دینی و سیاسی، شرایط امام و مشروعیت رهبری جامعه اسلامی ارتباط دارد. شریعتی این پیشینه را کنار نمی‌گذارد، اما بر این نکته تأکید می‌کند که امامت باید در نسبت با کارکرد اجتماعی و تاریخی خود نیز فهمیده شود.

پرسش او فقط این نیست که چه کسی حق رهبری جامعه را دارد؛ بلکه این است که رهبری چگونه می‌تواند جامعه را از وضعیت موجود به مرحله‌ای بالاتر از آگاهی، آزادی و عدالت منتقل کند؟ از این منظر، امام صرفاً صاحب منصب یا فرمانروایی نیست که اطاعت از او به‌خودی‌خود هدف تلقی شود. امام کسی است که مسیر حرکت جامعه را به سوی مقصدی متعالی جهت می‌دهد و در برابر انحراف جامعه از آن مقصد مسئولیت دارد.

در اینجا باید میان دو معنای رهبری تمایز گذاشت:

۱) رهبری به‌مثابه تسلط بر جامعه و فرمان دادن به افراد؛

۲) رهبری به‌مثابه هدایت جامعه در مسیر رشد، خودآگاهی و تحول.

شریعتی به معنای دوم گرایش دارد. ارزش رهبری در این برداشت با توانایی آن برای ایجاد حرکت تاریخی سنجیده می‌شود، نه صرفاً با قدرتی که در اختیار رهبر قرار دارد.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

۳,۲. امام به‌مثابه راهنما و جهت‌دهنده

در برداشت شریعتی، جامعه برای حرکت تاریخی به هدف و جهت نیاز دارد. وجود نارضایتی از وضعیت موجود، به‌تنهایی نمی‌تواند به تحول اجتماعی منجر شود. نارضایتی ممکن است به شورش‌های پراکنده، واکنش‌های زودگذر یا حتی بازتولید همان ساختارهای پیشین منتهی شود. آنچه نارضایتی را به حرکت هدفمند تبدیل می‌کند، ترکیبی از آگاهی، شناخت مقصد، سازمان‌یابی و رهبری است. در این چارچوب، امام وظیفه دارد میان سه عنصر ارتباط برقرار کند:

۱) وضعیت واقعی جامعه و مشکلات آن؛

۲) آرمان مطلوب و مقصد تاریخی جامعه؛

۳) راهبردها و شیوه‌های حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب.

برای مثال، اگر جامعه‌ای با استبداد و تبعیض روبه‌رو باشد، صرف محکوم کردن استبداد برای ایجاد تحول کافی نیست. جامعه باید بتواند مناسبات قدرت را بشناسد، بداند چه نوع نظمی را جایگزین آن می‌خواهد و برای تحقق آن نظم چه مسیری باید طی شود. رهبری در این معنا وظیفه دارد این عناصر را به یکدیگر پیوند دهد. بنابراین، امام صرفاً مفسر وضعیت موجود نیست، بلکه در شکل‌گیری افق آینده جامعه نیز نقش دارد.

۳,۳. امامت و مسئولیت تاریخی

یکی از محورهای مهم اندیشه شریعتی، مسئولیت انسان در برابر تاریخ و جامعه است. **انسان** در این نگاه صرفاً موجودی نیست که در ساختارهای اجتماعی به دنیا می‌آید و ناگزیر تابع آن‌ها باقی می‌ماند. او می‌تواند شرایط موجود را بشناسد، درباره آن داوری کند و در تغییر آن مشارکت داشته باشد. این نگرش درباره **امام** نیز صدق می‌کند، اما مسئولیت او به دلیل جایگاه هدایت‌گرش گسترده‌تر است. امام باید جامعه را از انفعال خارج کند، امکان‌های تاریخی آن را نشان دهد و نیروهای اجتماعی را در جهت تحقق هدف مشترک به حرکت درآورد.

بااین‌حال، نباید از این بحث نتیجه گرفت که در نظریه شریعتی هر رهبر سیاسی که مدعی اصلاح جامعه باشد، مصداق امامت است. امامت در منظومه فکری او با آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی مشخصی، از جمله عدالت، رهایی انسان و مقابله با سلطه، پیوند دارد. به

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

همین دلیل، قدرت سیاسی به‌تنهایی معیار ارزشمندی رهبری نیست. رهبری باید در نسبت با مقصدی سنجیده شود که جامعه به سوی آن هدایت می‌شود.

۴. رابطه امت و امامت: پیوند جامعه و رهبری

مفهوم امت و مفهوم امامت در اندیشه شریعتی را نمی‌توان مستقل از یکدیگر فهمید. امت بدون جهت‌گیری و سازمان‌یابی ممکن است در پراکندگی باقی بماند و امامت نیز بدون جامعه‌ای که در حرکت تاریخی مشارکت کند، نمی‌تواند به هدف خود دست یابد. رابطه این دو را می‌توان در قالب یک فرایند متقابل توضیح داد.

- **امت: نیروی اجتماعی، آگاهی جمعی و مشارکت در حرکت تاریخی**
- **امامت: جهت‌دهی، تبیین مقصد، هدایت و سازمان‌دهی حرکت**

۴,۱. چرا امت بدون امامت کافی نیست؟

در تحلیل شریعتی، حرکت اجتماعی صرفاً با وجود جمعیت زیاد، نارضایتی عمومی یا اشتراک عقیدتی شکل نمی‌گیرد. جامعه برای تبدیل ظرفیت‌های پراکنده به یک حرکت منسجم به شناخت هدف، جهت‌گیری و نوعی سازمان‌یابی نیاز دارد. جامعه‌ای را تصور کنیم که از بی‌عدالتی ناراضی است، اما درباره علل آن، مقصد تغییر و راه‌های رسیدن به آن توافق روشنی ندارد. در چنین وضعیتی، نیروهای اجتماعی ممکن است در مسیرهای متعارض حرکت کنند یا حتی در جریان تحول، به بازتولید ساختارهای پیشین کمک کنند. در اینجا نقش رهبری برجسته می‌شود: رهبری باید بتواند مسئله را صورت‌بندی کند، افق تغییر را روشن سازد و میان آرمان و عمل اجتماعی ارتباط برقرار کند. بنابراین، امامت در این معنا پاسخی به مسئله جهت‌گیری و انسجام حرکت تاریخی است.

۴,۲. چرا امامت بدون امت کافی نیست؟

در سوی دیگر، رهبری نیز نمی‌تواند بدون مشارکت جامعه، تحول اجتماعی پایدار ایجاد کند. اگر جامعه صرفاً به جمعیتی منفعل تبدیل شود که همه مسئولیت‌ها را به رهبر واگذار می‌کند، ظرفیت خود برای خودآگاهی و کنش تاریخی را از دست می‌دهد. ازاین‌رو، مفهوم امت در کنار امامت اهمیت مستقل دارد. جامعه فقط موضوع هدایت نیست؛ نیرویی است که حرکت تاریخی به‌واسطه آن تحقق پیدا می‌کند.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

در این برداشت، مسئولیت امام جایگزین مسئولیت امت نمی‌شود. رهبری جهت حرکت را روشن می‌کند، اما تحقق آن به مشارکت اجتماعی، پذیرش مسئولیت و کنش جمعی نیاز دارد. البته باید دقت کرد که این استنتاج نظری را نباید با یک نظریه کامل درباره انتخابات، نمایندگی سیاسی یا سازوکارهای کنترل قدرت یکسان دانست. شریعتی در بحث امت و امامت، بیش از آنکه به طراحی تفصیلی نهادهای حکومت بپردازد، به مسئله جهت حرکت جامعه و نقش رهبری در تحول تاریخی توجه دارد.

۴,۳. مسئله تعادل میان هدایت و مشارکت

یکی از مسائل اساسی در نظریه امت و امامت، نسبت میان اقتدار رهبری و عاملیت جامعه است. اگر بر هدایت امام بیش از اندازه تأکید شود، ممکن است امت به پیروانی منفعل تقلیل یابد. در مقابل، اگر صرف اراده جمعی بدون توجه به جهت، آگاهی و هدف مشترک کافی دانسته شود، مسئله رهبری و انسجام حرکت تاریخی نادیده گرفته می‌شود. این تنش را می‌توان یکی از مهم‌ترین نقاط تحلیل انتقادی نظریه شریعتی دانست: چگونه می‌توان میان ضرورت رهبری آگاهانه و ضرورت مشارکت فعال جامعه توازن برقرار کرد؟

پاسخ شریعتی را باید در تأکید او بر پیوند میان آگاهی، مسئولیت و حرکت تاریخی جست‌وجو کرد؛ بااین‌حال، جزئیات نهادی این توازن، از جمله نحوه انتخاب رهبر، حدود اختیار او و سازوکارهای پاسخ‌گویی، در این چارچوب به اندازه کافی روشن و نظام‌مند نشده‌اند.

۵. جامعه آرمانی و جهت حرکت امت

۵,۱. حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب

یکی از مفاهیم محوری در اندیشه شریعتی، ضرورت عبور آگاهانه از وضعیت موجود است. جامعه مطلوب، جامعه‌ای نیست که صرفاً وضعیت فعلی خود را حفظ کند یا به بازتولید نظم موجود بسنده کند؛ بلکه باید امکان‌های تاریخی خود را در جهت تحقق آرمان‌های انسانی به کار گیرد. در این چارچوب، امت با یک مقصد تاریخی تعریف می‌شود. این مقصد به جامعه امکان می‌دهد که شرایط موجود را ارزیابی کند و میان آنچه هست و آنچه باید باشد، تمایز بگذارد.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

این نگاه، اندیشه شریعتی را از محافظه‌کاری اجتماعی متمایز می‌کند؛ زیرا نظم موجود را معیار نهایی مشروعیت یا ارزش نمی‌داند. همچنین با نوعی اصلاح‌طلبی صرفاً اداری تفاوت دارد، زیرا مسئله فقط بهبود عملکرد نهادهای موجود نیست، بلکه تغییر آگاهی، مناسبات اجتماعی و جهت حرکت جامعه نیز مطرح است.

۵,۲. عدالت به‌عنوان معیار تحول

عدالت در منظومه فکری شریعتی جایگاهی اساسی دارد. او دین را صرفاً مجموعه‌ای از باورهای فردی یا مناسک عبادی نمی‌بیند، بلکه برای آن ظرفیتی در نقد مناسبات اجتماعی و مقابله با سلطه قائل است. بر این اساس، امت مطلوب نمی‌تواند نسبت به نابرابری و ستم بی‌تفاوت باشد. حرکت تاریخی جامعه باید در جهت کاهش سلطه و فراهم کردن امکان رشد انسان قرار گیرد. بااین‌حال، عدالت در این بحث را نباید صرفاً به توزیع اقتصادی محدود کرد. عدالت می‌تواند ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز داشته باشد؛ از جمله مقابله با انحصار قدرت، نقد سلطه طبقاتی و فراهم کردن امکان مشارکت آگاهانه انسان‌ها در سرنوشت اجتماعی خود.

از منظر تحلیلی، این برداشت سه نتیجه دارد:

۱) قدرت سیاسی به‌خودی‌خود هدف نهایی نیست، بلکه باید در نسبت با آرمان‌های انسانی ارزیابی شود؛

۲) نظم اجتماعی موجود مصون از نقد نیست و باید امکان ارزیابی آن بر اساس معیارهای عدالت وجود داشته باشد؛

۳) دینداری فردی، بدون توجه به مسئولیت اجتماعی، تمام ظرفیت موردنظر شریعتی از اسلام را نشان نمی‌دهد.

۵,۳. آزادی و رهایی انسان

آزادی و رهایی نیز در فهم مقصد امت اهمیت دارند. جامعه مطلوب جامعه‌ای نیست که فقط از نظم و وحدت برخوردار باشد، بلکه باید بتواند انسان را از مناسباتی که مانع آگاهی، انتخاب و رشد او می‌شوند، رها کند. در اندیشه شریعتی، سلطه تنها به سلطه سیاسی محدود نمی‌شود. مناسبات اقتصادی، ساختارهای فرهنگی و صورت‌های فکری نیز می‌توانند انسان را در وضعیت انفعال قرار دهند.

ازاین‌رو، تحول مطلوب صرفاً با تغییر صاحبان قدرت تحقق نمی‌یابد. اگر ساختارهای سلطه و وابستگی همچنان باقی بمانند، ممکن است تغییر سیاسی به بازتولید همان مناسبات در شکلی تازه منجر شود.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

در نتیجه، امت و امامت را باید در پیوند با پروژه گسترده‌تر شریعتی برای تحول انسان و جامعه مطالعه کرد؛ پروژه‌ای که هم به تغییر شرایط بیرونی و هم به دگرگونی آگاهی و مسئولیت فردی توجه دارد.

۶. نسبت امت و امامت با تشیع و تاریخ اسلام

۶,۱ بازخوانی مفهوم امامت در سنت شیعی

شریعتی نظریه امت و امامت را در زمینه‌ای مطرح می‌کند که در آن، تشیع نه‌فقط یک مذهب کلامی و فقهی، بلکه حامل نوعی تجربه تاریخی، اعتراض اجتماعی و آرمان عدالت نیز تلقی می‌شود. در سنت شیعی، مسئله امامت با جایگاه امام علی، جانشینی پیامبر، مرجعیت دینی و سیاسی امامان و ویژگی‌های خاص آنان ارتباط دارد. شریعتی این میراث را به‌عنوان منبعی برای بازاندیشی در وضعیت معاصر جامعه اسلامی به کار می‌گیرد.

برای او، مطالعه تاریخ امامان نباید صرفاً به شناخت زندگی‌نامه‌ای آنان، نقل مناقب یا بررسی اختلافات تاریخی محدود شود. اهمیت تاریخی این شخصیت‌ها در این است که چگونه می‌توان از تجربه و مواضع آنان برای فهم مسئولیت اجتماعی، عدالت و مواجهه با قدرت استفاده کرد.

در اینجا نوعی انتقال از تاریخ به نظریه اجتماعی رخ می‌دهد: تجربه تاریخی تشیع به منبعی برای اندیشیدن درباره جامعه معاصر تبدیل می‌شود. بااین‌حال، نباید نظریه شریعتی را عیناً با نظریه رسمی و سنتی امامت در علم کلام شیعه یکسان دانست. او در بسیاری از موارد، بر ابعاد اجتماعی، انقلابی و تاریخی این مفهوم تأکید می‌کند؛ درحالی‌که مباحث کلامی سنتی، موضوعاتی مانند نص، عصمت، علم امام و مبانی اختصاصی مشروعیت امامت را نیز بررسی می‌کنند.

۶,۲ امام علی(ع) و مسئله عدالت

شخصیت امام علی(ع) در اندیشه شریعتی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند الگویی برای پیوند میان اعتقاد دینی و مسئولیت اجتماعی باشد. در این خوانش، علی(ع) فقط شخصیتی مقدس در حافظه مذهبی نیست؛ او با مسئله عدالت، نحوه مواجهه با قدرت، مسئولیت در برابر محرومان و تعهد به اصول اخلاقی نیز شناخته می‌شود.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

این برداشت را می‌توان با توجه به جایگاهی که عدالت در نهج‌البلاغه دارد، توضیح داد. در نامه‌ها، خطبه‌ها و سخنان منسوب به امام علی(ع)، مسئله حکومت، حقوق مردم، مسئولیت حاکم و ضرورت پرهیز از ستم برجسته است. شریعتی می‌کوشد چنین میراثی را از سطح یادبود تاریخی به سطح پرسش از زندگی معاصر منتقل کند: اگر عدالت از اصول اساسی این سنت است، جامعه معاصر چگونه باید آن را در مناسبات واقعی خود تحقق بخشد؟ از این منظر، ارزش مطالعه تاریخ امام علی در توان آن برای ایجاد خودآگاهی تاریخی و اجتماعی نیز قرار دارد.

۶,۳. تشیع به‌مثابه آگاهی تاریخی و اعتراض به سلطه

یکی از جهت‌گیری‌های شناخته‌شده در اندیشه شریعتی، تمایز میان تشیع به‌مثابه یک سنت زنده و عدالت‌خواه و صورت‌هایی از دینداری است که ممکن است به انفعال، عادت یا توجیه نظم موجود تبدیل شوند. در این چارچوب، تشیع می‌تواند حامل حافظه‌ای تاریخی از مقاومت در برابر ستم و مطالبه عدالت باشد. اما این ظرفیت تاریخی الزاماً در تمام دوره‌ها و در همه صورت‌های نهادی و اجتماعی آن به یک اندازه فعال نیست. این تمایز برای فهم نظریه امت و امامت اهمیت دارد؛ زیرا شریعتی می‌خواهد میان میراث تاریخی تشیع و نیازهای تحول اجتماعی در دوران جدید ارتباط برقرار کند. در نتیجه، پیروی از امامان در این خوانش فقط به معنای تعلق عاطفی یا اعتقادی نیست، بلکه باید با فهم مسئولیت اجتماعی و بازاندیشی در مناسبات قدرت نیز همراه باشد. البته این تفسیر، خوانش خاص شریعتی از تشیع است و نباید آن را تنها تفسیر ممکن از تاریخ و سنت شیعی دانست.

۷. مفهوم "هجرت" و "شهادت" در ارتباط با امت و امامت

برای فهم عمیق‌تر اندیشه شریعتی، باید مفهوم امت و امامت را در کنار دو مفهوم مهم دیگر در آثار او، یعنی هجرت و شهادت، مطالعه کرد. این دو مفهوم به مسئله حرکت تاریخی و هزینه‌های تحقق آرمان‌ها مربوط می‌شوند.

۷,۱. هجرت: خروج از وضعیت تثبیت‌شده

هجرت در اندیشه شریعتی صرفاً به معنای جابه‌جایی جغرافیایی نیست. این مفهوم می‌تواند به معنای گسستن از وضعیتی باشد که انسان یا جامعه را در انفعال و محدودیت نگه داشته است. هجرت، در این معنا، حرکتی از وضعیت موجود به سوی افقی تازه است. چنین حرکتی مستلزم آن است که جامعه بتواند شرایط تثبیت‌شده خود را نقد کند و امکان‌های دیگری برای زندگی و سازمان اجتماعی تصور کند.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

در ارتباط با نظریه امت، هجرت را می‌توان یکی از مفاهیم توضیح‌دهنده پویایی جامعه دانست. امت، اجتماع ساکن و فاقد جهت نیست؛ جامعه‌ای است که باید امکان عبور از وضعیت موجود را در خود حفظ کند. امامت نیز در این چارچوب با نشان دادن جهت حرکت و کمک به شناخت مقصد ارتباط می‌یابد.

۷,۲. شهادت: مسئولیت و هزینه وفاداری به آرمان

شهادت در آثار شریعتی مفهومی چندلایه است. در کنار معنای دینی و تاریخی آن، او از شهادت برای اندیشیدن درباره تعهد، مسئولیت و هزینه‌های پایبندی به آرمان‌های اجتماعی استفاده می‌کند. در این خوانش، مسئله فقط مرگ یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه نسبت میان حقیقت، مسئولیت و قدرت نیز مطرح است. برای مثال، واقعه کربلا در اندیشه شریعتی صرفاً رویدادی متعلق به گذشته نیست؛ می‌تواند به‌عنوان منبعی برای اندیشیدن درباره تعارض میان عدالت و قدرت، مسئولیت انسان در شرایط دشوار و امکان مقاومت در برابر سلطه بازخوانی شود.

این برداشت با نظریه امت و امامت ارتباط دارد؛ زیرا اگر امت در مسیر تحقق آرمان‌های خود حرکت می‌کند، این حرکت همیشه بدون هزینه و تعارض نخواهد بود. رهبری و مسئولیت اجتماعی در چنین شرایطی اهمیت پیدا می‌کنند. بااین‌حال، نباید شهادت را به معنای ضرورت خشونت یا مرگ‌طلبی تفسیر کرد. در تحلیل اندیشه شریعتی، باید میان بازخوانی اخلاقی و تاریخی شهادت و توجیه هر نوع کنش خشونت‌آمیز تمایز گذاشت.

۸. مسئله رهبری انقلابی در نظریه امت و امامت

یکی از وجوه مهم و در عین حال مناقشه‌برانگیز نظریه شریعتی، تأکید بر نقش رهبری آگاه در فرایند تحول اجتماعی است. شریعتی در شرایطی می‌اندیشید که جامعه ایران با سلطنت اقتدارگرا، نابرابری اجتماعی، وابستگی خارجی، تحولات سریع فرهنگی و مناقشه بر سر هویت دینی و مدرنیته مواجه بود. از این منظر تاریخی، مسئله او فقط چگونگی اداره جامعه نبود، بلکه چگونگی ایجاد تحول بنیادین در جامعه نیز اهمیت داشت.

۸,۱. تفاوت رهبری انقلابی با مدیریت روزمره

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

مدیریت روزمره جامعه عمدتاً به حفظ نظم، اجرای قواعد و اداره نهادها مربوط می‌شود. اما رهبری تحول‌خواه با پرسش دیگری مواجه است: چگونه می‌توان جامعه را از وضعیت موجود به نظمی متفاوت منتقل کرد؟

در نظریه شریعتی، رهبری در این معنای دوم اهمیت پیدا می‌کند. رهبر باید بتواند ظرفیت‌های نهفته جامعه را شناسایی کند، آگاهی اجتماعی را افزایش دهد و هدفی را برای حرکت جمعی صورت‌بندی کند. این تأکید نشان می‌دهد که نظریه او فقط درباره مشروعیت قدرت سیاسی نیست؛ درباره نقش رهبری در تولید آگاهی، بسیج اجتماعی و شکل‌گیری سوژه‌ای جمعی نیز هست.

۸,۲ نسبت آگاهی و رهبری

یکی از ویژگی‌های اندیشه شریعتی، اهمیت دادن به آگاهی در فرایند تحول است. جامعه برای تغییر وضعیت خود باید بتواند ساختارهای اجتماعی و عوامل بازتولیدکننده نابرابری را بشناسد. رهبری در این چارچوب فقط دستوردهنده نیست؛ باید در شکل‌گیری این آگاهی نقش داشته باشد. اما این نقش زمانی با آرمان جامعه آگاه سازگار می‌ماند که آگاهی را جایگزین مشارکت جامعه نکند. در اینجا یک پرسش مهم مطرح می‌شود: اگر رهبر خود را آگاه‌تر از جامعه بداند، چه چیزی مانع تبدیل هدایت به قیم‌مآبی سیاسی خواهد شد؟

این پرسش یکی از محورهای اصلی نقد نظریه شریعتی است. تأکید بر ضرورت آگاهی و رهبری می‌تواند ظرفیت تحول‌آفرینی داشته باشد، اما اگر با سازوکارهای پاسخ‌گویی و مشارکت همراه نشود، ممکن است به توجیه تمرکز قدرت بینجامد. شریعتی را باید در متن پروژه فکری و شرایط تاریخی خود خواند؛ بااین‌حال، این پرسش درباره حدود اقتدار رهبری همچنان برای ارزیابی نظریه او اهمیت دارد.

۹. نسبت امت و امامت با دموکراسی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره نظریه امت و امامت این است که آیا این نظریه با دموکراسی سازگار است یا خیر. پاسخ به این پرسش مستلزم تفکیک چند مسئله است: مشارکت مردم، منشأ مشروعیت سیاسی، نقش رهبری، حدود اختیار رهبر و امکان نظارت جامعه بر قدرت.

۹,۱ مشارکت مردم و عاملیت اجتماعی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

تأکید شریعتی بر امت به‌عنوان نیروی اجتماعی، امکان نوعی قرائت مشارکت‌محور از نظریه او را فراهم می‌کند. در این برداشت، مردم صرفاً دریافت‌کنندگان فرمان‌های سیاسی نیستند، بلکه در شکل‌گیری و تحقق حرکت تاریخی نقش دارند. اما مشارکت اجتماعی به‌تنهایی معادل دموکراسی نهادی نیست. یک جنبش می‌تواند از مشارکت گسترده مردم برخوردار باشد، ولی در ساختار سیاسی پس از پیروزی، قدرت را متمرکز کند. ازاین‌رو، برای ارزیابی نسبت نظریه شریعتی با دموکراسی باید فراتر از تأکید او بر مشارکت و آگاهی رفت و پرسید: چه تضمینی برای تداوم مشارکت، گردش قدرت و امکان مخالفت با رهبر وجود دارد؟

۹,۲. دموکراسی و مسئله هدایت

در نظریه‌های دموکراتیک، یکی از اصول مهم این است که شهروندان بتوانند درباره قدرت سیاسی تصمیم بگیرند، آن را نقد کنند و از طریق سازوکارهای مشخص بر آن نظارت داشته باشند. در نظریه امت و امامت، مسئله هدایت جامعه به سوی یک مقصد از پیش تعریف‌شده اهمیت ویژه‌ای دارد. این موضوع می‌تواند تنشی میان دو منطق ایجاد کند:

- منطق هدایت: رهبر با توجه به شناخت و تشخیص خود، مسیر مطلوب جامعه را تعیین یا تبیین می‌کند.
- منطق دموکراتیک: شهروندان باید امکان مشارکت در تعریف اهداف سیاسی و نقد تصمیم‌های رهبران را داشته باشند.

این دو منطق لزوماً همیشه با یکدیگر ناسازگار نیستند، اما سازگاری آن‌ها نیازمند توضیح درباره حدود قدرت و نحوه تصمیم‌گیری است. اگر هدایت به معنای ارائه افق، استدلال و آگاهی‌بخشی باشد، می‌تواند با مشارکت دموکراتیک همراه شود. اما اگر به معنای برخورداری رهبر از اختیار نامحدود برای تعیین سرنوشت جامعه باشد، با اصول مهم پاسخ‌گویی و کنترل دموکراتیک قدرت تنش پیدا می‌کند.

۹,۳. آیا نظریه شریعتی نظریه‌ای کامل درباره حکومت است؟

نظریه امت و امامت را بهتر است بیش از آنکه یک الگوی کامل طراحی نهادی حکومت بدانیم، چارچوبی برای فهم رهبری و تحول اجتماعی تلقی کنیم. این نظریه درباره آرمان‌ها، جهت حرکت جامعه و مسئولیت رهبری بحث‌های مهمی دارد، اما برای تبدیل شدن به نظریه‌ای جامع درباره نظام سیاسی، به پاسخ‌های روشن‌تری درباره مسائل زیر نیاز دارد:

- سازوکار انتخاب و عزل رهبر؛

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

- حدود اختیار و مدت مسئولیت او؛
- حقوق مخالفان و اقلیت‌ها؛
- آزادی بیان و امکان نقد رهبری؛
- رابطه تخصص، نمایندگی سیاسی و تصمیم‌گیری عمومی؛
- نظارت بر قدرت و جلوگیری از تمرکز آن.

این تمایز برای مطالعه دانشگاهی اهمیت زیادی دارد. نباید هر ویژگی‌ای را که از نظر امروز برای یک نظام سیاسی مطلوب می‌دانیم، بدون شواهد متنی به شریعتی نسبت دهیم.

۱۰. نقدهای نظریه امت و امامت

برای فهم دانشگاهی این نظریه، صرف بازسازی دیدگاه شریعتی کافی نیست. باید نقاط قوت و محدودیت‌های آن نیز بررسی شوند.

۱۰,۱. ابهام در تعریف مقصد تاریخی

یکی از مسائل نظری این است که چه کسی مقصد مطلوب امت را تعریف می‌کند و معیار تشخیص تحقق آن چیست. اگر مقصد جامعه با عدالت، آزادی و رشد انسان تعریف شود، همچنان این پرسش باقی می‌ماند که درباره مصادیق این مفاهیم چگونه تصمیم‌گیری می‌شود. ممکن است افراد یا گروه‌های مختلف درباره عدالت اقتصادی، آزادی سیاسی یا شیوه‌های تحول اجتماعی اختلاف نظر داشته باشند. در چنین شرایطی، صرف توافق بر سر آرمان‌های کلی برای تعیین سیاست‌های عملی کافی نیست. نظریه باید نشان دهد اختلاف نظرها چگونه حل‌وفصل می‌شوند و چگونه می‌توان از انحصار تعریف آرمان به دست رهبر جلوگیری کرد.

۱۰,۲. خطر نخبه‌گرایی سیاسی

تأکید بر آگاهی ویژه رهبر یا گروهی پیشرو می‌تواند به این تصور منجر شود که عده‌ای از افراد به دلیل برخورداری از شناخت برتر، حق دارند به جای جامعه تصمیم بگیرند. این خطر زمانی جدی‌تر می‌شود که آگاهی سیاسی با حق نامحدود فرمانروایی یکسان تلقی شود. البته داشتن دانش، تجربه و توانایی هدایت لزوماً با مشارکت دموکراتیک ناسازگار نیست. مسئله این است که آیا برتری معرفتی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

ادعاشده می‌تواند جایگزین رضایت عمومی و پاسخ‌گویی سیاسی شود یا خیر. این پرسش از جمله مسائل مهمی است که می‌توان برای ارزیابی نظریه شریعتی به کار گرفت.

۱۰,۳. فاصله میان آرمان و نهاد

شریعتی درباره آرمان‌های اجتماعی و نقش رهبری در تحقق آن‌ها بحث می‌کند؛ اما ترجمه این آرمان‌ها به قواعد و نهادهای پایدار سیاسی مسئله‌ای جداگانه است. برای مثال، حتی اگر رهبر از اهداف عدالت‌خواهانه برخوردار باشد، همچنان باید سازوکاری وجود داشته باشد که تصمیم‌های او را ارزیابی کند، خطاهای احتمالی را اصلاح کند و از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری کند. نظام سیاسی را نمی‌توان صرفاً بر اساس فضیلت اخلاقی رهبران طراحی کرد. نهادها باید در برابر خطا، تعارض منافع و تغییر شرایط تاریخی نیز کارآمد باشند. از این منظر، نظریه امت و امامت را می‌توان در سطحی قوی‌تر به‌عنوان نظریه‌ای درباره جهت‌گیری و مسئولیت اجتماعی رهبری فهمید تا به‌عنوان طرحی تفصیلی برای سازمان‌دهی نهادهای سیاسی.

۱۰,۴. تنش میان وحدت و تکثر

مفهوم امت بر مقصد مشترک و جهت حرکت جمعی تأکید دارد. این ویژگی می‌تواند به انسجام اجتماعی کمک کند، اما هم‌زمان پرسشی درباره جایگاه تکثر نیز ایجاد می‌کند. جامعه واقعی از گروه‌هایی با منافع، تجربه‌ها، هویت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت تشکیل شده است. اگر وحدت به معنای حذف اختلاف نظر تعبیر شود، امکان نقد و اصلاح اجتماعی محدود خواهد شد. در مقابل، اگر وحدت به معنای توافق بر اصول مشترک و پذیرش اختلاف در روش‌ها و سیاست‌ها فهمیده شود، می‌تواند با تکثر اجتماعی سازگار باشد. این مسئله برای بازخوانی معاصر اندیشه شریعتی اهمیت دارد: آیا امت مطلوب باید جامعه‌ای همگن باشد یا می‌تواند جامعه‌ای متکثر باشد که بر سر برخی آرمان‌های مشترک همکاری می‌کند؟

۱۱. جایگاه امت و امامت در اندیشه سیاسی معاصر ایران

اهمیت نظریه امت و امامت فقط به محتوای فلسفی یا کلامی آن محدود نمی‌شود؛ این نظریه بخشی از تاریخ اندیشه سیاسی معاصر ایران نیز هست. شریعتی در دوره‌ای می‌گفت و می‌نوشت که روشنفکران ایرانی درگیر پرسش‌هایی مانند نسبت دین و مدرنیته، امکان تحول انقلابی، وابستگی خارجی، عدالت اجتماعی و جایگاه مردم در سیاست بودند.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

او می‌کوشید زبان و مفاهیم دینی را به ابزارهایی برای بازاندیشی در این مسائل تبدیل کند. در این چارچوب، مفاهیم سنتی اسلام می‌توانستند معنایی تازه در ارتباط با مسائل جامعه جدید پیدا کنند. نظریه امت و امامت را می‌توان در همین زمینه فهمید: تلاشی برای پیوند دادن میراث دینی با پرسش‌های مربوط به رهبری، آگاهی و تحول اجتماعی. بااین‌حال، باید میان سه سطح تمایز گذاشت:

۱) اندیشه شریعتی: آنچه می‌توان از آثار خود او درباره امت، امامت، عدالت و مسئولیت تاریخی استخراج کرد؛

۲) تفسیرهای پسینی: برداشت‌هایی که پژوهشگران و جریان‌های سیاسی بعدی از اندیشه او ارائه کرده‌اند؛

۳) کاربرد سیاسی مفاهیم: شیوه‌هایی که گروه‌ها و نهادهای مختلف از مفاهیم امت و امامت برای توجیه یا نقد الگوهای حکمرانی استفاده کرده‌اند.

این سه سطح الزاماً بر هم منطبق نیستند. یک مفهوم ممکن است پس از مرگ متفکر، وارد زمینه‌ای سیاسی شود که با تمام مقاصد اولیه او یکسان نباشد. به همین دلیل، برای ارزیابی تأثیر شریعتی بر اندیشه سیاسی ایران باید هم آثار اصلی او و هم تاریخ دریافت و تفسیر آن‌ها را مطالعه کرد.

۱۲. جمع‌بندی نهایی

نظریه "امت و امامت" را می‌توان تلاشی برای ارائه تصویری از جامعه به‌مثابه نیرویی تاریخی و رهبری به‌مثابه عاملی برای جهت‌دهی به تحول اجتماعی دانست. در این نظریه، امت صرفاً جمعیتی از افراد هم‌عقیده نیست؛ جامعه‌ای است که در مسیر تحقق آرمانی مشترک حرکت می‌کند. امامت نیز صرفاً یک مقام یا منصب نیست، بلکه با هدایت، آگاهی‌بخشی و جهت‌دهی به حرکت تاریخی جامعه ارتباط دارد.

پیوند این دو مفهوم نشان می‌دهد که تحول اجتماعی به دو عنصر مکمل نیاز دارد: از یک سو، جامعه‌ای که مسئولیت تاریخی خود را بپذیرد و از سوی دیگر، رهبری‌ای که بتواند میان وضعیت موجود، آرمان مطلوب و راه‌های حرکت به سوی آن ارتباط برقرار کند.

در این چارچوب، عدالت، آزادی، مسئولیت اجتماعی و مقابله با سلطه از جمله معیارهایی هستند که می‌توان با اتکا به منظومه فکری شریعتی برای فهم مقصد حرکت اجتماعی به کار گرفت.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

بااین‌حال، نظریه امت و امامت پرسش‌های مهمی نیز ایجاد می‌کند: چگونه می‌توان میان هدایت و مشارکت تعادل برقرار کرد؟ چه کسی مقصد مطلوب را تعریف می‌کند؟ چگونه می‌توان از تمرکز قدرت جلوگیری کرد؟ و چه سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی رهبری وجود دارد؟ اهمیت این پرسش‌ها در آن است که نظریه شریعتی را از سطح بازگویی آرمان‌های سیاسی فراتر می‌برند و امکان ارزیابی انتقادی آن را فراهم می‌کنند.

در یک صورت‌بندی فشرده، ایده مرکزی این نظریه چنین است: جامعه مطلوب، جامعه‌ای است که از حالت انفعال خارج شود، به آگاهی و مسئولیت تاریخی دست یابد و در مسیر تحقق آرمان‌های انسانی حرکت کند؛ رهبری نیز زمانی ارزشمند است که این حرکت را آگاهانه جهت دهد، نه اینکه جایگزین نقش تاریخی جامعه شود.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir